

شغل اصغر آقا باغبانی است. او باغ بزرگی دارد و خود را با کارهای باغ مشغول می کند.

اصغر باغبان ماهری است. او گل ها و درخت ها را خیلی دوست دارد و از آن ها مراقبت می کند.

او باغچه ها را بیل می زند و خاک گلدان ها را عوض می کند.

او یک باغچه ی پر از غنچه های زیبا دارد. بوته های گل سرخ تیغ های خیلی تیزی دارند.

اصغر آقا هر روز غروب، به غنچه ها و بوته های شلغم آب می دهد.

در باغ بزرگ اصغر حیوانات مختلفی زندگی می کنند.

قورباغه در برکه ی وسط باغ به همراه چند غاز سفید زندگی می کند.

مرغ و خروس ها در کنار طویله ی الاغ لانه دارند و دانه می خورند.

باغ اصغر در کنار کوه قرار دارد. غاری در انتهای باغ وجود دارد که یک جغد

غمگین در آن زندگی می کند. جغد به خاطر دروغ های کلاغ بسیار غمگین و

ناراحت است.

کلاغ که مانند زغال سیاه است، در باغ آشغال می ریزد و جیغ می زند.

اما به بقیه ی حیوانات گفته است که ریختن آشغال

در باغ کار جغد است.

